

سخنرانی حجت الاسلام دکتر توانایی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

موضوع: مسئولیت گریزی در دانشگاه.

با آیاتی از قرآن درباره مسئولیت شروع می کنم.
«اعوذ بالله من الشيطان الرجيم»

« فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ »

«روز قیامت هم از پیامبران و هم از کسانی که پیامبران سراغ آنها رفته اند سوال می کنیم.»

پس معلوم می شود مسئله خیلی حساس است. مسئولیت سنگین است. مسئولیت فقط برای پیامبران نیست، از اُمتهایشان سوال می شود. از خود پیامبران هم سوال می شود. که چه کاری کرده اند؟ رسالتشان را چگونه انجام داده اند؟ و آنها آیا عمل کرده اند یا نه؟

« وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ »

در قیامت همه را نگه می دارند و آنها همگی باید جواب دهند که چه کاری کرده اند؟ عمرشان را؟ سرمایه شان؟ فکرشان؟ هوششان و امکانات و استعدادهایی که داشتند چگونه از آنها بهره برده اند؟

«فوربك لنسئلنهم اجمعين اما كانوا يعملون»

به خدا قسم که در روز قیامت حتماً از آنها سوال می کنیم و همه کارهایی که انجام داده همه بایستی پاسخگو باشند در قیامت.

اینها آیاتی است که در مورد مسئولیت مهم می دانم؛ یا به تعبیری مسئولیت گریزی؛ که حالا مبحث من مسئله، مسئولیت گریزی در دانشگاه است.

این آیات کلی بودند در مورد همه جنبه های زندگی. من گفتم زمینه و عوامل تأثیرگذار در رفتار انسان ۳ چیز است: (۱) سطح تحول شخصیت (۲) سطح تحول هوش (۳) ارزشهای فرهنگی.

البته عوامل بسیاری وجود دارد، همه را نخواستیم بگوییم سعی کرده ایم که آنهایی که شاخص است و بعضی از عوامل دیگر هم در دل همین هاست را بیان کنیم. همین ممکن است؛ شما سوال کنید چرا بعضی رفتارهای بد، دلیلش چیست؟ تا حالا فکر کردید چرا؟ یکی از آنها به سطح تحول شخصیت بر می گردد. ببینیم مسیر تحول شخصیت این فرد چگونه است؟ سطح تحول هوش، ارزشهای فرهنگی به این سه عامل بر می گردد:

توضیح اولی:

طبق نظریه هرم آبراهام مزلو: انسان از سه سطح نیازهای جسمانی، روانی بر خودار است در طول زندگی، سطح بدنی، اجتماعی و فرهنگی.

(۱) سطح بدن:

آدمی که به دنیا می آید. بحث نیاز به امنیت، نیازهای فیزیولوژیک مثل خوردن، آشامیدن، خوابیدن، و استراحت کردن، سرما و گرما. اینها مربوط به بدن انسان می شود. حتی نیازهای جنسی.

۲) سطح اجتماعی:

یک مقدار که انسان بالاتر می رود، نیاز به تحسین، تشویق، محبت داشتن، محبت کردن، و دیگران را پذیرفتن، شغل، ازدواج و این مسائل وقتی انسان بالا می آید.

۳) به خود شکوفایی نیاز پیدا می کند.

نتیجه آنکه: بستگی دارد که انسان در کدام یک از این مراحل شخصیتی تثبیت شده باشد؟ اگر شخصیت یک شخص در مرحله سطح نیازهای بدنی تثبیت شده باشد، چه انتظاری می توان از رفتارهای او داشت؟ وقتی که ۲۵ ساله یا ۳۰ ساله است حالا یا کارمند یا شاغل است، یا مدیر. یا به هر درجه که رسیده البته در بین فرهیختگان کمتر است که در سطح نیازهای بدنی متوقف بماند. ولی اگر یک وقت این افراد کسانی باشند که همچنان دارند به نیازهای بدنشان پاسخ می دهند، چه انتظاری می توان از آنها داشت؟ مثال های ساده آن را بیرون در اجتماع، می بینید که شما را از جا می پرانند با بوق. این معلوم است که این فرد همچنان در سطوح پایین نیازهای خود است. ولی اگر انسان یواش یواش رشد کند، بیاید روی سطح بالا، حفظ حقوق دیگران، مسئولیت پذیری، خود شکوفایی، خود باوری، که در اینجا انسان واقعاً کامل است یا نزدیک به انسان کامل است. خودش را باور کرده است. همه استعدادهایش را کشف کرده، شکوفا می کند. و سعی می کند کارش را درست انجام دهد. در محیط دانشگاه هم همین است. دانشجویهایی که درس می خوانند، استادانی که درس می دهند، کارکنانی که هستند، مدیرانی که هستند، برمی گردد که چقدر توانسته اند نیازهای سطح فردی و شخصیتی را تأمین کرده باشند تا چه حد؟ خوب قطعاً از مرحله نیازهای بدنی و اجتماعی عبور کرده اند و اینها را دارند و برای حفظ اینها به نیازهای فردی هم پاسخ داده می شود ولی بستگی دارد چقدر به نیازهای فردیشان پاسخ داده باشند. همان قدر می توان از آنها انتظار داشت که مسئولیت پذیر باشند یا مسئولیت گریز.

تحول شخصیت بر اساس دیدگاه اسلام:

معادل نیازهای بدنی در دیدگاه اسلامی می شود: نفس امّاره که در آن عقل هست ولی قدرتش خیلی محدود است. بیشتر نفس انسان است که حاکم است. نیازهای اجتماعی را معادل آن نفس لوّامه آورده ام که در آن عقل و نفس درگیرند. گاهی این پیروزی با عقل است گاه با نفس و سطح فردی را نفس مطمئنه گفته ام که در اینجا عقل بیشتر غلبه دارد بر نفس و همان مخاطب آیه:

« يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ »

انسانی که به این مقام برسد،

«راضیه مرضیه فدخلی فی عبادی وادخلی جنتی»

طبیعی است که به خود شکوفایی کامل رسیده این فرد و سعی می کند مسئولیتش را به نحو احسن انجام دهد. چه فردی و چه اجتماعی. چه در محیط دانشگاه چه در هر جای دیگر، می رود انجام می دهد و از عهده آن برمی آید. با این مقدمه می گویم: **دانشجو چه مسئولیتی دارد؟**

کسب علم و دانش در رشته تحصیلی خودش در راستای هدف خودش اگر در کسب علم جدیت نکند باعث افت تحصیلی می شود، نمره کم می آورد. هدف و انگیزه اش که از بین رفت نقصان کیفیت و عدم پیشرفت تحصیلی را در پی دارد.

چه چیزهایی باعث می شود که دانشجو مسئولیت گریز می شود؟

(۱) **عدم علاقه به رشته تحصیلی.** چه در دانش آموزان، چه در دانشجویان، اگر به خاطر تنهایی یک شغل، یا آنکه خانواده گفته اند. رشته تحصیلی را انتخاب کرده باشد از عهده تکالیف، پروژه ها و تحقیقاتش بر نمی آید و اگر ۲ ساعت هم وقت اضافه دارد، می گوید من الاف شده ام. در حالی که می تواند از کتابخانه دانشگاه استفاده کند. چون علاقه ندارد در دانشگاه می چرخد. و وقت را تلف می کند.

(۲) **عدم فرصت کافی برای تحقیق و پژوهش.** چون حجم درسی زیاد است.

(۳) **عدم ارتباط مداوم با استادان.**

(۴) **وضعیت نامناسب مالی، روحی و جسمی.**

(۵) **اخذ غیر اصولی واحد های درسی.**

(۶) **محیا نبودن وسایل کمک آموزشی.** بعضی از دانشگاه ها این امکانات را ندارند.

(۷) **عدم آشنایی استادان با مهارت ها و فنون نوین تدریس،** که دانشجو علاقه اش را از دست می دهد.

(۸) **مدرک گرایی.**

(۹) **کاربردی نبودن موضوعات تحقیق.**

(۱۰) **عدم حمایت از پایان نامه ها از سوی دولت.**

(۱۱) **غیر مرتبط بودن آموزش با مشاغل آینده.**

(۱۲) **عدم برنامه ریزی صحیح تحصیلی و استفاده از زمان.**

مدیریت زمان که خودش یک سمینار می خواهد. که چگونه زمان را می توان مدیریت کرد و انسان به وظایف خود عمل کرده و به خصوص دانشجو در تحصیل موفق باشد.

مسئولیت استاد

فراهم نمودن زمینه کسب علم و دانش برای دانشجویان و اقدام برای تحقیقات و پژوهشهای مختلف به منظور کمک به حل معضلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و پیشرفت کشور. تعریفی که من ارائه داده ام ممکن است در خیلی جاها نیاید.

عوامل مسئولیت گریزی استادان

۱. تعداد زیاد دانشجویان در کلاس های درس.

۲. عدم عنایت کافی به استادان نخبه یعنی دوغ و دوشاب متأسفانه یکسان است.

۳. عدم توجه به وضعیت رفاهی و حقوقی استادان که مجبورند چند تا کلاس و یا چند شغل داشته باشند.

۴. عدم استقرار دانشگاه ها در ابعاد مالی و اداری و تصمیمات راهبردی و استراتژیک محدود

- محلله منطقه ای. و
۵. عدم شایسته سالاری در
- انتخاب مدیران دانشگاهی.
۶. افزایش ساعات موظف تدریس
- استادان.
۷. عدم سیاست های حمایتی و
- تشویقی از نخبگان.
۸. عدم احساس مسئولیت.

مسئولیت کارکنان و مدیران:

فراهم نمودن زمینه برای ارتباط بین استادان و دانشجو و حتی ایجاد ارتباط بین جامعه و دانشگاه.

عوامل مسئولیت گریزی:

۱. عدم توجه به شایسته سالاری
- در گزینش کارکنان.
۲. عدم تخصص و نداشتن مهارت کافی.
- فقط خواسته شغلی پیدا کند و آن کس هم که او را پذیرفته گفته فعلاً بیجا اینجا مشغول باش و مهارت ندارد.
- می خواهد از زیر کار هم در برود. انگیزه برای کار کردن ندارد.
۳. نداشتن امنیت شغلی.
۴. مقاومت کارکنان در برابر فناوری جدید، همچنان می خواهند سنتی کار کنند.
۵. بروکراسی اداری و فرسودگی شغلی.
۶. حجم زیاد کار موجب بی حوصلگی، از کار گریزی، دیر حاضر شدن سر کار یا غیبت.
۷. عدم شرکت دادن یا مشاوره نخواستن از کارکنان در حیطه های مدیریتی. کارکنان در بعضی محیط های دانشگاهی دیده نمی شوند. فقط از آنها می خواهند یک کار را صبح تا شب انجام داده و بروند خانه.
۸. عدم آموزش های ضمن خدمت در ایجاد مهارت های لازم.
۹. احساس گماشته بودن در جهت تحقق اهداف دیگران نه استقلال و هویت.
- راهکارها کلی برای استاد، دانشجو و کارکنان (چون تقریباً مشترک است.)**

۱. تقویت باورهای دینی

«علم يعلم بان الله یری»

کسی که می داند در محضر خداست، همه لحظه های زندگی اش را خداوند رویت می کند و می بیند. سعی می کند کارش را درست

انجام دهد. می گوید: من برای خدا انجام می دهم، تشویقم بکنند یا نکنند. من وظیفه ام را انجام داده ام.

۲. تقویت انگیزه

«و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون»

قرآن انگیزه را برای اعمال صالح تقویت می کند اینها شیوه های مهمی است. خیلی از شما از جاهای مختلفی آمده اید. در دانشگاه هایتان می شود همایش شهروند مسئول را به شکل های متنوع تر برگزار کرد. اساس قضیه را جا انداخت، روش زیاد است.

از این شیوه های قرآنی استفاده بکنیم و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر را گسترش دهیم. خداوند می فرماید:

آن خدایی که به آن ایمان دارید تقوایش را داشته باشید، پروا کنید، در محضر خدا حیا کنید. بعد می گوید:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ »

از آن چیزی که خداوند به شما روزی داد، مصرف کنید و می گوید که از شیطان پیروی نکنید. یعنی اول تأمین نیازهای بدن است. اگر کارکنان ما از نظر شغلی و استادان ما و زمینیه فراهم باشد برای دانشجو و انگیزه هم باشد خوب آن انجام می دهد. خداوند هم اول نمی گوید، نروید سراغ شیطان. می گوید: از نعمت های من استفاده کنید و سراغ شیطان نروید. و این می تواند در انسان انگیزه ایجاد کند.

۳. تقویت حس نوع دوستی

انما المؤمنون اخوه

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند

حضرت خضر دیوار شکسته و فرو ریخته ای را دید، آن را تعمیر نمود چون متعلق به دو طفل یتیم که پدر صالحی داشتند، بود. این حس نوع دوستی است. می توانستند توجهی نکنند چرا که افراد شهر از آنها حتی پذیرایی هم نکردند. ولی ایشان کار خود را انجام دادند. هرگز کسی که برای خدا کار انجام می دهد، اگر تشویق هم نشود و حرف و حدیث هم بشنود، امیدش را از دست نمی دهد که من کارم را به درستی انجام دادم ولو آن که دیده نشود. هر چند وظیفه این است که دیده شود. ولی فرد باید از درون خود را تقویت کند.

حضرت موسی دختران حضرت شعیب را که دید ایستاده اند، گفت چرا اینجا ایستاده اید؟ نمی دانست اینها دختران شعیب هستند. فهمید اینجا تبعیضی شده. گفتند: چوپانان می آیند از چاه آب بر می دارند، و ما هر روز اینجا باید منتظر بمانیم. حضرت موسی (ع) به آنها کمک کرد. این حس نوع دوستی است. می توانست بگوید: به من ربطی ندارد.

۴. ترویج فرهنگ سبقت در کار.

فاستبقوا الخیرات

۵. تشویق افراد موفق. خذ من

اموالهم صدقه تطهرهم و صل علیهم
زکاتشان را بگیرید ولی بر آنها درود فرست پیامبر.
انسان موفق را باید تشویق کرد. اگر در مسجد تشویق شود که یک
فرهنگ دیگر هم ترویج شده و آن فرهنگ اقامه نماز است. مثلاً
المپیادی ها را جایزه می دهند. آن را در مسجد بدهند.
«یرفع الله الذین امنونکم و الذین اوتوالعلم درجات»
خداوند به کسانی که ایمان بیاورند به او اهل علم هستند
درجاتی داده است. ببینید خدا چگونه تشویق می کند؟
۶. انتصاب مدیران شایسته» انی حفیظ علیم و یا القوی الامین
«

۷. برنامه ریزی صحیح و اصولی

۸. مدیریت زمان. به همه قسمت های زمان قسم یاد شده است.
والفجر، و الصبح، والضحی، والعصر، واللیل و این نشان می دهد
که زمان خیلی اهمیت دارد.

۹. نظم و انضباط

۱۰. تلاش و کوشش. خدا به حضرت مریم (ع) که حال مساعدی در حین
زایمان نداشتند، فرمود: بلند شو این شاخه درخت را تکان بده
تا خرما برای تو بیفتد و از آن استفاده کن.

۱۱. مشارکت دادن آحاد

۱۲. مشورت پذیری و مشاوره « و الامرهم شوری بینهم »

۱۳. برگزاری سمینارها و کارگاه های آموزشی، مهارت های زندگی
با عنوان خود باوری در محیط های دانشگاهی خیلی تأثیر دارد
در تقویت حس خود باوری و سطح فردی و شخصیتی افراد

۱۴. خود باوری و تفکر مثبت

۱۵. حل مسئله به جای پاک کردن صورت مسئله

۱۶. مقابله با هیجانهای درونی، اضطراب، کنترل خشم، مهارت
های ارتباط مؤثر همدلی، تفکر خلاق که جای آن مهم و در
دانشگاه خالی است و باید تقویت شود. و داشتن تفکر انتقادی.
صلوات.

مسئول